

تمایلات ضد شوروی دارند ، از موافقتنامه نومون هان در باره متار که ، از شایعه قرارداد عدم تجاوز متقابل شوروی و ژاپن بهره برداری میکنند باین منظور که آشوب و بلوا برپا کنند و میان دولت بزرگ چین و اتحاد شوروی تخم نفاق پراکنند . این همان چیزی است که توطئه گران انگلیسی ، آمریکائی و فرانسوی و تسلیم طلبان چینی بدان مشغول اند ؛ این يك خطر فوق العاده است و ما باید دسائس کثیف آنها را کاملاً افشا کنیم . کاملاً روشن است که سیاست خارجی چین باید سیاست مقاومت در برابر ژاپن باشد . این سیاست به آن معنی است که ما باید بطور عمده به نیروی خویش تکیه کنیم و درعین حال هیچگونه امکان تأمین کمک از خارج را از نظر فرو نگذاریم . اکنون که جنگ جهانی امپریالیستی آغاز گردیده است ، کمک خارجی بطور عمده از سه منبع زیر تأمین میشود : ۱ - از اتحاد شوروی سوسیالیستی ؛ ۲ - از خلقهای کشورهای سرمایه داری جهان ؛ ۳ - از ملت های ستمدیده کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره جهان . اینها است تنها منابع مطمئن کمک ها برای ما . هر چیز دیگری که بتوان آنها کمک خارجی نامید ، حتی اگر ممکن هم باشد ، فقط میتواند بمثابة کمک قسمی و موقتی تلقی گردد . البته چین باید بکوشد که به چنین کمک قسمی و موقتی دست یابد ، ولی هرگز نباید خود را زیاد بدان وابسته سازد ، یا آنها بمثابة کمکی مطمئن بحساب آورد . چین باید نسبت به کشورهای متخاصم در این جنگ امپریالیستی روش بیطرفی اکید در پیش گیرد ، بهیچیک از آنان نپیوندد . این عقیده که چین باید به جبهه جنگ امپریالیستی انگلستان و فرانسه به پیوندد ، نظر تسلیم طلبان است ؛ این نظر زیانمند بحال مقاومت علیه ژاپن ، زیانمند به استقلال و آزادی ملت چین است و باید صریحاً طرد شود . این چهارمین مسئله ایست که میخواستم در پیرامون آن گفتگو کنم .

مسایل مذکور در حال حاضر از طرف هممیهنان ما مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است. بسیار خوب است که هممیهنان ما به مطالعه مسایل بین‌المللی، به روابط میان جنگ جهانی امپریالیستی و جنگ مقاومت ضد ژاپنی چین و به روابط میان اتحاد شوروی و چین توجه دارند، زیرا هدف آنها تأمین پیروزی مقاومت چین در برابر ژاپن است. من در اینجا برخی از نظریات اساسی خود را در این مسایل ابراز داشتم و امیدوارم که خوانندگان در مورد این ملاحظات از اظهار نظر خودداری نخواهند ورزید.

### یادداشتها

۱ - مجمع اتفاق ملل سازمانی بود که پس از جنگ جهانی اول بمنظور تقسیم مجدد جهان از طریق سوداگری و تنظیم موقتی منافع متضاد خود از طرف انگلستان و فرانسه و ژاپن و دولت‌های امپریالیستی دیگر تشکیل گردید. امپریالیست‌های ژاپن پس از آنکه در ۱۹۳۱ شمال شرقی چین را اشغال کردند، در ۱۹۳۳ خود را از مجمع اتفاق ملل کنار کشید تا با آزادی بیشتری به توسعه جنگ تجاوزکارانه خود پردازد؛ در همین سال فاشیست‌های آلمان بقدرت رسیدند و بعداً آنها نیز از مجمع اتفاق ملل بیرون آمدند تا آسانتر جنگ تجاوزکارانه خود را تدارک ببینند. در ۱۹۳۴ هنگامیکه خطر جنگ تجاوزکارانه فاشیستی روز بروز افزایش مییافت، اتحاد شوروی به مجمع اتفاق ملل پیوست و بدین ترتیب این امکان پیش آمد که این سازمان امپریالیستی که بخاطر تقسیم مجدد جهان از طریق سوداگری تشکیل شد، به سازمانی تبدیل گردد که به خدمت امر صلح در آید. ایتالیا پس از تجاوز خود به حبشه در ۱۹۳۵ از مجمع اتفاق ملل کناره گرفت.

۲ - قرارداد کمک متقابل میان اتحاد شوروی و فرانسه و قرارداد کمک متقابل میان اتحاد شوروی و چکوسلواکی هر دو در ۱۹۳۵ منعقد گردید.

۳ - لوید جورج یکی از لیبرهای حزب لیبرال بورژوازی انگلیسی بود. در

حین مذاکرات انگلستان ، فرانسه و اتحاد شوروی ، او در پارلمان اظهار داشت :  
 ” بدون شرکت اتحاد شوروی نمیتوان به صلح نائل آمد . “

۴ - اول سپتامبر ۱۹۳۹ قوای آلمان به لهستان هجوم برد و قسمت اعظم سرزمین  
 آنرا اشغال نمود و در ۱۷ سپتامبر دولت ارتجاعی لهستان بخارج فرار کرد . در همین  
 روز اتحاد شوروی سپاهیان خود را به خاور لهستان وارد کرد تا سرزمینهای از دست  
 رفته خود را بازپس گیرد ، ملت‌های ستمدیده اوکراین و بلوروسی را آزاد سازد و راه هجوم  
 سپاهیان فاشیست آلمان را از سوی مشرق ببندد .

۵ - در مه ۱۹۳۹ در نومون‌هان واقع در مرز میان مغولستان و ” منچورگوه “  
 سپاهیان ژاپن و سپاهیان پوشالی ” منچورگوه “ به اتفاق بر سپاهیان اتحاد شوروی و  
 جمهوری توده‌ای مغولستان حمله بردند . در اثر يك جنگ قهرمانانه نیروهای شوروی  
 و مغولستان بخاطر دفاع از خویش ، سپاهیان ژاپن و ” منچورگوه “ سخت شکست خوردند  
 و از اتحاد شوروی تقاضای آتش‌بس کردند . موافقتنامه نومون‌هان درباره متارکه در  
 سپتامبر ۱۹۳۹ در مسکو منعقد گردید که مضمون آن بطور عمده از اینقرار است :  
 ۱ - فوراً آتش‌بس داده شود ، ۲ - يك کمیسیون مرکب از چهار نماینده به  
 نسبت دو نماینده از هر طرف تشکیل شود تا مرز میان دولت پوشالی ” منچورگوه “  
 و جمهوری توده‌ای مغولستان را در نقاطی که تصادمات در آنجا واقع شده بود ، تعیین  
 نماید .

۶ - در آخر ژوئیه و آغاز اوت ۱۹۳۸ سپاهیان ژاپن در بخش جان گائو فون  
 واقع در مرز میان چین ، اتحاد شوروی و کره علیه سپاهیان شوروی به اعمال تحریک  
 آمیزی دست زدند . و در نتیجه ضربه شدید سپاهیان شوروی ، ژاپن شکست خورد و  
 تقاضای صلح کرد . موافقتنامه جان گائو فون درباره متارکه در ۱۱ اوت ۱۹۳۸ در  
 مسکو منعقد گردید که در آن قید شده است که فوراً آتش‌بس داده شود ، کمیسیون  
 مختلط مرکب از چهار نماینده به نسبت دو نماینده از طرف شوروی و دو نماینده  
 از طرف ژاپن و ” منچورگوه “ تشکیل گردد تا درباره تعیین نهائی خطوط مرزی تحقیق  
 کند و موضوع را فیصله دهد .

## بمناسبت انتشار اولین شماره مجله « کمونیست »

( ۴ اکتبر ۱۹۳۹ )

دیر زمانی بود که کمیته مرکزی قصد داشت يك مجله درون حزبی انتشار دهد و اکنون بالاخره این نقشه جامه عمل بخود پوشید. چنین مجله‌ای برای ساختن يك حزب کمونیست بلشویکی شده چین، حزبیکه سراسر کشور را دربر گیرد و خصلتی توده‌ای داشته باشد، حزبیکه از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی کاملاً مستحکم باشد، ضرور است. این ضرورت در اوضاع کنونی بارزتر بچشم میخورد. ویژگیهای اوضاع کنونی بدینقرارند: از یکسو در جنبه متعدد ملی ضد ژاپنی خطر تسلیم‌طلبی، انشعاب و سیر قهقرائی روز بروز در حال افزایش است؛ از سوی دیگر حزب ما از حدود تنگ پیشین با بیرون نهاده و بيك حزب بزرگ سراسری کشور مبدل شده است. وظیفه حزب عبارت است از اینکه توده‌ها را برای رفع خطر تسلیم‌طلبی، انشعاب و سیر قهقرائی بسیج نماید و خود را در مقابل هر گونه پیش‌آمد ممکن آماده نگهدارد تا آنکه حزب و انقلاب، در صورت وقوع چنین پیش‌آمدهائی، دچار تلفات غیرمترقبه نگردند. در این موقع انتشار چنین مجله‌ای درون

حزبی واقعاً نهایت ضرورت دارد .

نام این مجله درون حزبی « کمونیست » است . وظیفه این مجله چیست ؟ این مجله از چه مطالبی گفتگو میکند ؟ و تفاوت آن با سایر مطبوعات حزبی چیست ؟

وظیفه این مجله اینست که به ساختمان یک حزب کمونیست بلشویکی شده چین کمک کند ، حزبی که سراسر چین را دربر گیرد و خصلتی توده‌ای داشته باشد ، حزبی که از نظر ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی کاملاً مستحکم باشد . برای تأمین پیروزی انقلاب چین ساختمان چنین حزبی ضرورت فوری دارد و ضمناً شرایط عینی و ذهنی برای ساختمان چنین حزبی نیز بطور کلی فراهم است ؛ این کار بزرگ ساختمانی هم اکنون در دست انجام است . برای کمک بانجام این کار که خارج از توانائی مطبوعات معمولی حزبی است ، انتشار یک ارگان مطبوعاتی ویژه حزبی ضرور است ، و باین علت اکنون مجله « کمونیست » انتشار مییابد .

تا حدودی حزب ما هم اکنون حزبی است که سراسر کشور را دربر گرفته و خصلتی توده‌ای داشته است ، و بعلاوه تا آنجا که مربوط به هسته رهبری ، بخشی از اعضایش و مشی عمومی و کار انقلابی‌اش میشود ، دیگر حزبی است که بلشویکی شده و از نظر ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی استحکام یافته است .

پس بچه علت اکنون وظیفه نوینی مطرح میشود ؟

علت اینست که ما اکنون سازمانهای نوین متعددی داریم که از تعداد زیادی از اعضای جدید حزب تشکیل یافته‌اند ، اما هنوز نمیتوان گفت که این سازمانها خصلتی توده‌ای دارند و از نظر ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی استحکام یافته و یا بلشویکی شده‌اند . ضمناً در اینجا مسئله بالا بردن سطح

سیاسی اعضای قدیمی حزب و همچنین تحکیم بازهم بیشتر سازمانهای قدیمی از نظر ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی و بلشویکی کردن باز هم بیشتر آنها مطرح است . شرایطی که هم اکنون حزب در آن عمل میکند و وظایفی که بر عهده دارد ، با شرایط و وظایف حزب در دوران جنگ انقلابی داخلی خیلی فرق میکند ؛ اکنون شرایط بسیار پیچیده تر و وظایف بسیار سنگین تر شده اند .

دوران کنونی دوران جبهه متحد ملی است ، و ما با بورژوازی جبهه متحدی تشکیل داده ایم ؛ دوران کنونی دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی است ، و نیروهای مسلح حزب ما در جبهه با ارتشهای دوست به جنگ سختی علیه دشمن مشغولند ؛ دوران کنونی دورانی است که حزب ما بیک حزب بزرگ سراسری کشور بدل گشته و از این رو دیگر آن حزبی نیست که در گذشته بود . با در نظر داشت مجموعه این عوامل میتوان دریافت که وظیفه ای که ما در برابر خود نهاده ایم ، یعنی وظیفه " ساختن بیک حزب کمونیست بلشویکی شده چین ، حزبی که سراسر کشور را دربر گیرد و خصلتی توده ای داشته باشد ، حزبی که از نظر ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی کاملاً مستحکم باشد " ، چقدر افتخارآمیز و در عین حال خطیر است .

حال برای ساختن چنین حزبی ما چگونه باید عمل کنیم ؟ پاسخ باین سؤال بدون مراجعه به تاریخ حزب ما و مبارزه هجده ساله اش امکان پذیر نیست . از نخستین کنگره کشوری حزب ما در سال ۱۹۲۱ تا کنون ۱۸ سال تمام میگذرد . در عرض این ۱۸ سال حزب ما از میان مبارزات متعدد بزرگی گذشته است . در این مبارزات بزرگ اعضای حزب ، کادرها و سازمانهای خود را آبدیده کرده اند . آنها هم پیروزیهای درخشان

انقلاب را به چشم دیده‌اند و هم شکستهای سخت انقلاب را . حزب يك جبهه متحد ملی با بورژوازی تشکیل داد و پس از بهم خوردن این جبهه متحد ، با بورژوازی بزرگ و متحدینش به مبارزات مسلحانه شدیدی وارد گردید . در عرض سه سال اخیر حزب ما بار دیگر وارد يك دوره جبهه متحد ملی با بورژوازی شده‌است . تکامل انقلاب چین و حزب کمونیست چین در چنین مناسبات پیچیده‌ای نسبت به بورژوازی چین صورت گرفته‌است . این يك ویژگی تاریخی است ، ویژگی‌ایکه مختص انقلاب کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوده و در تاریخ انقلاب هیچ کشور سرمایه‌داری نمیتوان نظیری بر آن یافت . بعلاوه از آنجا که چین کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودالی است ، از آنجا که رشد سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی چین ناموزون است ، از آنجا که در چین اقتصاد نیمه فئودالی مسلط و سرزمینش پهناور است ، چنین نتیجه میشود که انقلاب چین در مرحله کنونی خصلتاً بورژوا - دموکراتیک میباشد که دشمنان عمده آن امپریالیسم و فئودالیسم و نیروهای محرکه اساسی آن پرولتاریا ، طبقه دهقان و خرده بورژوازی شهری هستند و در ضمن بورژوازی ملی نیز میتواند در زمان معینی و تا حدود معینی در این انقلاب شرکت جوید ؛ و همچنین نتیجه میشود که شکل عمده مبارزه در انقلاب چین مبارزه مسلحانه است . در واقع تاریخ حزب ما را میتوان تاریخ مبارزه مسلحانه خواند . رفیق استالین گفته‌است :

”در چین ، انقلاب مسلح علیه ضد انقلاب مسلح مبارزه میکند . این یکی از خصوصیات و یکی از امتیازات انقلاب چین است .“ (۱) این کاملاً صحیح است . این ویژگی چین نیمه مستعمره در تاریخ انقلابهایی که تحت رهبری احزاب کمونیست در کشورهای سرمایه‌داری بوقوع پیوسته‌اند ، یا وجود نداشته و یا اینکه باین شکل نبوده است . بنابر این دو ویژگی

اساسی در انقلاب بورژوا - دموکراتیک چین دیده میشوند که عبارتند از :

۱ - پرولتاریا یا با بورژوازی یک جبهه متحد ملی انقلابی تشکیل میدهد ،  
یا اینکه مجبور میشود آنها بهم زند ؛ ۲ - شکل عمده انقلاب مبارزه مسلحانه  
است . ما در اینجا مناسبات حزب را با طبقه دهقان و خرده بورژوازی  
شهری بعنوان یک ویژگی اساسی بحساب نمیاوریم ، زیرا اولاً ، این  
مناسبات در همه احزاب کمونیست جهان علی‌الاصول یکسانند ، و ثانیاً ،  
منظور از مبارزه مسلحانه در چین از نظر ماهوی جنگ دهقانی است و  
مناسبات نزدیک حزب با جنگهای دهقانی درست همانند مناسبات حزب با  
دهقانان است .

بعلت این دو ویژگی اساسی و در واقع درست بعلت همین ویژگیهاست  
که پروسه ساختمان و بلشویکی شدن حزب ما در شرایط خاصی جریان  
میابد . شکست یا پیروزی ، عقب‌نشینی یا پیشروی ، اختصار یا انبساط ،  
ورشد و استحکام حزب ناگزیر با مناسبات حزب با بورژوازی و مبارزه  
مسلحانه در پیوند است . وقتیکه حزب ما در مسئله تشکیل جبهه متحد  
با بورژوازی و یا در مسئله بهم زدن اجباری آن مشی سیاسی درستی اتخاذ  
کند ، در راه رشد ، تحکیم و بلشویکی کردن خود گامی پیش بر خواهد  
داشت ؛ اما زمانیکه در مناسبات خود با بورژوازی مشی نادرستی در پیش  
گیرد ، گامی به عقب خواهد رفت . درست بهمین ترتیب وقتیکه حزب ما  
مسئله مبارزه مسلحانه انقلابی را بطور صحیح حل کند ، در راه رشد ،  
تحکیم و بلشویکی کردن خود گامی به پیش بر خواهد داشت ؛ ولی  
زمانیکه این مسئله را درست حل نکند ، گامی به عقب خواهد رفت . بدینسان  
طی هجده سال اخیر ساختمان و بلشویکی کردن حزب با مشی سیاسی حزب  
و با حل درست یا نادرست مسئله جبهه متحد و مسئله مبارزه مسلحانه همواره



پیوندی نزدیک داشته است . تاریخ هجده ساله حزب ما صحت این نتیجه گیری را بوضوح تمام تأیید کرده است . از طرف دیگر هر قدر که حزب بلشویکی تر شود ، آنوقت و فقط آنوقت است که قادر به تعیین مشی سیاسی صحیح تری خواهد بود و مسایل جبهه متحد و مبارزه مسلحانه را درستتر حل خواهد کرد . تاریخ هجده ساله حزب ما صحت این نتیجه گیری را نیز بروشنی تأیید کرده است .

بدینسان جبهه متحد ، مبارزه مسلحانه و ساختمان حزب ، سه مسئله اساسی در انقلاب چین برای حزب ما میباشد . درك صحیح این سه مسئله و ارتباط متقابل آنها در حکم رهبری کردن صحیح تمام انقلاب چین است . بموجب تجارب فراوان ما در طول تاریخ هجده ساله حزب ، یعنی براساس تجارب پرمایه و عمیقی که از شکستها و پیروزیها ، عقب نشینی ها و پیشرویها ، اختصارها و انبساطها حاصل شده است ، امروز ما میتوانیم در مورد این سه مسئله به نتیجه گیریهای درست دست یابیم ، بدین معنی که ما اکنون قادریم مسایل جبهه متحد ، مبارزه مسلحانه و ساختمان حزب را بطور صحیح حل کنیم . بعبارت دیگر ، تجربیات هجده ساله گذشته بما آموخته اند که جبهه متحد ، مبارزه مسلحانه و ساختمان حزب سه سلاح معجزه آسای حزب کمونیست چین ، یعنی سه سلاح معجزه آسای عمده حزب برای غلبه بر دشمن در انقلاب چین هستند . این يك دستاورد بزرگ حزب کمونیست چین و انقلاب چین است .

ما اینك هر يك از این سه سلاح معجزه آسا ، یعنی هر يك از این سه مسئله را باختصار مورد بررسی قرار میدهم .

در طول هجده سال گذشته ، جبهه متحد پرولتاریای چین با بورژوازی و طبقات دیگر چین در سه وضع یا سه مرحله گوناگون رشد یافته است :

مرحله نخستین انقلاب بزرگ سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ ، مرحله جنگ انقلاب ارضی سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۳۷ و مرحله جنگ مقاومت ضد ژاپنی کنونی . تاریخ این سه مرحله قوانین زیر را ثابت کرده است :

۱ - از آنجا که سختترین ستمی که چین متحمل میشود ، ستم بیگانگان است ، لذا بورژوازی ملی چین تا زمان و اندازه معینی میتواند در مبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتورهای نظامی فئودالی شرکت کند . بنا بر این ، پرولتاریا باید در چنین دوره‌ای با بورژوازی ملی جبهه متحدی تشکیل دهد و آنرا تا حد ممکن حفظ کند . ۲ - بورژوازی ملی در شرایط تاریخی دیگر بعزت سستی اقتصادی و سیاسی خود متزلزل خواهد شد و نقض عهد و پیمان خواهد کرد . از این رو ترکیب جبهه متحد انقلابی در چین همیشه ثابت نخواهد ماند ، بلکه ناگزیر به تغییر است . بورژوازی ملی میتواند در یک زمان معین در جبهه متحد شرکت کند و در زمان دیگر نمیتواند در آن شرکت کند . ۳ - بورژوازی بزرگ کمپرادور چین طبقه‌ایست که مستقیماً در خدمت امپریالیسم است و از طرف آن پرورانده میشود . از اینجاست که بورژوازی بزرگ کمپرادور چین همیشه یکی از دشمنان انقلاب بوده‌است . ولی گروه‌های گوناگون بورژوازی بزرگ کمپرادور ، قدرتهای امپریالیستی مختلفی را پشت سر دارند و بدینجهت زمانیکه تضادهای بین قدرتهای امپریالیستی مختلف حدت یابد و لبه تیز انقلاب بطور عمده علیه یکی از این قدرتهای امپریالیستی متوجه شود ، گروه‌های بورژوازی بزرگ که وابسته به سیستمهای امپریالیستی دیگرند ، امکان دارد تا اندازه و زمان معینی در مبارزه علیه آن قدرت امپریالیستی شرکت کنند . در چنین موقعی پرولتاریای چین بمنظور تضعیف دشمن و افزایش نیروی

ذخیره خود میتواند با این گروه‌ها جبهه متحدی ممکن تشکیل دهد ، و آنها تا حد امکان حفظ کند ، البته بشرط اینکه این جبهه متحد بحال انقلاب سودمند باشد . ۴ - بورژوازی بزرگ کمپرادور حتی وقتیکه به جبهه متحد ملحق شود و در کنار پرولتاریا علیه دشمن مشترک مبارزه کند ، کمافی‌السابق بعد اکثر مرتجع میماند . این طبقه با هر گونه رشد ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی پرولتاریا و حزب پرولتاریا قاطعانه مخالفت میکند ، سعی در تحدید این رشد مینماید و به تاکتیکهای تخریبی مانند فریب ، اغوا ، "تحلیل" و حملات دست میاندازد ؛ همه اینها تدارکی برای تسلیم خود در برابر دشمن و بهم زدن جبهه متحد است . ۵ - متحد استوار پرولتاریا دهقانانند . ۶ - خرده بورژوازی شهری نیز متحدی قابل اطمینان است .

صحت این قوانین در طول نخستین انقلاب بزرگ و انقلاب ارضی بشوت رسیده است و در جنگ مقاومت ضد ژاپنی کنونی بار دیگر باثبات میرسد . بنا بر این در مسئله تشکیل جبهه متحد با بورژوازی ( و بویژه با بورژوازی بزرگ ) حزب پرولتاریا باید در دو جبهه مبارزه قطعی و جدی کند . از یکسو ، لازم است با اشتباهی که امکان‌الحاق بورژوازی را به مبارزه انقلابی در زمان معینی و تا حدود معینی نادیده میگیرد ، مبارزه شود . این اشتباه بمعنای همانند گرفتن بورژوازی چین با بورژوازی کشورهای سرمایه‌داری و در نتیجه نادیده گرفتن سیاست تشکیل یک جبهه متحد با بورژوازی و حفظ آن تا حد امکان است ، و این بجز سیاست درهای بسته "چپ" چیز دیگری نیست . از سوی دیگر ، باید با این اشتباه که برنامه ، سیاست ، ایدئولوژی و پراتیک پرولتاریا و بورژوازی و چیزهای دیگر آنها را یکی میداند و اختلافات اصولی بین آنها را نادیده میگیرد ، نیز مبارزه شود .

اشتباه مذکور این واقعیت را نادیده میگیرد که بورژوازی ( و بویژه بورژوازی بزرگ ) تمام کوشش خود را بکار میبندد تا هم بر خرده بورژوازی و دهقانان و هم بر پرولتاریا و حزب کمونیست تأثیر نهد ، استقلال ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی پرولتاریا و حزب کمونیست را از بین برد ، پرولتاریا و حزب کمونیست را به دنباله‌رو بورژوازی و حزب آن مبدل کند ، دست‌آوردهای انقلاب را فقط بحساب یک مشت بورژوا بگذارد ؛ بعلاوه اشتباه مذکور این واقعیت را هم نادیده میگیرد که بورژوازی ( و بویژه بورژوازی بزرگ ) بمجرد اینکه انقلاب با منافع آزمندانه این مشت بورژوا در تضاد افتد ، بانقلاب خیانت مینماید . نادیده گرفتن اینها همه بمعنای اپورتونیسم راست است . ویژگی اپورتونیسم راست چن دوسیو در این بود که پرولتاریا را به تطابق با منافع آزمندانه یک مشت بورژوا هدایت میکرد - این بود علت ذهنی شکست نخستین انقلاب بزرگ .

خصلت دوگانه بورژوازی چین در انقلاب بورژوا - دموکراتیک تأثیرات فوق‌العاده زیادی در مشی سیاسی و ساختمان حزب کمونیست چین میگذارد ، و کسی که این خصلت دوگانه بورژوازی چین را درک نکند ، قادر به فهم مشی سیاسی و ساختمان حزب کمونیست چین نخواهد بود . یکی از اجزاء مهم مشی سیاسی حزب کمونیست چین سیاست وحدت و مبارزه با بورژوازی است . حزب کمونیست چین در جریان وحدت و مبارزه با بورژوازی رشد یافته و آبدیده گشته است ، این یکی از اجزاء مهم ساختمان حزب کمونیست چین است . از مفهوم وحدت در اینجا جنبه متحد با بورژوازی مستفاد میشود . و مقصود از مبارزه در اینجا مبارزه " مسالمت‌آمیز " و " بدون خونریزی " ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی است که تا زمانیکه ما با بورژوازی در وحدتیم ، ادامه خواهد داشت و زمانیکه مجبور شدیم از بورژوازی بپریم ،

بمبارزه مسلحانه تبديل ميگردد . چنانچه حزب ما درك نكند كه بايد در دورانهاي معيني با بورژوازي متحد شود ، آنوقت قادر به پيشروي نخواهد بود و انقلاب نيز نخواهد توانست بسط و توسعه يابد ؛ چنانچه حزب ما نفهمد كه بايد در عين وحدت با بورژوازي بيك مبارزه "مسالمت آميز" قطعي و جدي عليه آن دست زند ، آنگاه از نظر ايدئولوژيك ، سياسي و سازماني دچار تلاشي خواهد شد و انقلاب نيز با شكست رو برو خواهد گرديد ؛ و چنانچه حزب ما هنگام اجبار به جدائي از بورژوازي بمبارزه مسلحانه قطعي و جدي عليه آن دست نزند ، در اينصورت نيز دستخوش تلاشي خواهد شد و انقلاب هم با شكست مواجه خواهد گرديد . تاريخ هجده ساله گذشته صحت اين حقايق را تايد کرده است .

مبارزه مسلحانه حزب كمونيست چين شكل يك جنگ دهقاني برهبري پرولتاريا را بخود ميگيرد . تاريخ اين مبارزه نيز به سه مرحله تقسيم ميشود :  
مرحله اول مرحله شركت ما در لشگركشي بشمال بود . هر چند در اينموقع حزب ما تازه شروع بدرك اهميت مبارزه مسلحانه کرده بود ، ولي مفهوم آنرا هنوز كاملاً نفهميده بود ، حزب ما هنوز هي نبرده بود كه مبارزه مسلحانه شكل عمده مبارزه در انقلاب چين است .  
مرحله دوم جنگ انقلاب ارضي بود . در اين زمان حزب ما ديگر صاحب نيروهاي مسلح مستقل شده بود و هنر هدايت مستقلانه جنگ را آموخته بود ، و بعلاوه قدرت سياسي خلق و مناطق پايدگهي را ايجاد کرده بود . حزب ما ديگر ميتوانست مبارزه مسلحانه - اين شكل اصلي مبارزه را با بسياري از اشكال لازم ديگر مبارزه بطور مستقيم يا غيرمستقيم تلفيق دهد ، بسخن ديگر حزب ما قادر بود كه مبارزه مسلحانه را در مقياس سراسري كشور بطور مستقيم يا غيرمستقيم با

مبارزه کارگران ، با مبارزه دهقانان ( که مهمتر از همه بود ) ، و همچنین با مبارزه جوانان ، زنان و سایر محافل اهالی ، با مبارزه بیخاطر کسب قدرت سیاسی ، با مبارزه در جبهه‌های اقتصادی ، ضد عمال دشمن و ایدئولوژیک و با شکلهای دیگر مبارزه تلفیق دهد . این مبارزه مسلحانه انقلاب ارضی دهقانی تحت رهبری پرولتاریا بود .

مرحله سوم مرحله جنگ مقاومت ضد ژاپنی کنونی است . در این مرحله ما قادریم از تجارب مبارزه مسلحانه مرحله اول و بویژه مرحله دوم و همچنین از تجارب تلفیق مبارزه مسلحانه با سایر اشکال لازم مبارزه استفاده کنیم . در حال حاضر از مبارزه مسلحانه بطور کلی جنگ پارتیزانی (۲) فهمیده میشود . جنگ پارتیزانی چیست ؟ جنگ پارتیزانی در کشور عقب‌مانده‌ای ، در کشور پهناور و نیمه مستعمره‌ای برای يك دوران طولانی يك شکل ناگزیر و در نتیجه بهترین شکل مبارزه نیروهای مسلح خلق برای غلبه بر دشمن مسلح و ایجاد پایگاههای خود است . مشی سیاسی و ساختمان حزب ما تاکنون با این شکل مبارزه پیوند نزدیکی داشته است . درك مشی سیاسی و ساختمان حزب ما جدا از مبارزه مسلحانه و جدا از جنگ پارتیزانی امکان‌پذیر نیست . مبارزه مسلحانه جزء مهمی از مشی سیاسی ماست . حزب ما شیوه مبارزه مسلحانه را در طول هجده سال رفته رفته فرا گرفته و بر آن پافشاری نموده است . ما دریافته‌ایم که در چین بدون مبارزه مسلحانه نه جایی برای پرولتاریا می‌بود و نه جایی برای خلق و حزب کمونیست ، و انقلاب هم نمیتوانست پیروز شود . رشد ، تحکیم و بلشویکی شدن حزب ما طی ۱۸ سال اخیر در خلال جنگهای انقلابی صورت گرفته است ؛ بدون مبارزه مسلحانه حزب کمونیست ما بطور حتم آن نبود که امروز

هست . رفقای سراسر حزب هرگز نباید این تجربه را که به بهای خون بدست آورده‌ایم ، از یاد ببرند .  
 پروسه ساختمان حزب و پروسه رشد ، تحکیم و بلشویکی شدن آن نیز به سه مرحله تقسیم میشود .

مرحله اول دوران کودکی حزب بود . در اوایل و اواسط این مرحله مشی حزب صحیح بود و شور و شوق انقلابی اعضا و کادرهای حزب در سطح فوق‌العاده عالی قرار داشت ؛ از اینجا بود که پیروزیهای نخستین انقلاب بزرگ بدست آمد . معذک با وجود این حزب ما هنوز مالمهای کودکی را میگذراند و در سه مسئله اساسی یعنی جبهه متحد ، مبارزه مسلحانه و ساختمان حزب تجربه نداشت ، تاریخ و جامعه چین را زیاد نمیشناخت ، از ویژگیها و قوانین انقلاب چین زیاد آگه نبود ، و وحدت بین تئوری مارکسیسم - لنینیسم و پراتیک انقلاب چین را بطور جامع درک نکرده بود . از اینجهت بود که در اواخر این مرحله یا در حساس‌ترین لحظات این مرحله افرادی که در ارگانهای رهبری حزب مواضع مسلط را در اختیار داشتند ، نتوانستند تمام حزب را در تحکیم پیروزیهای انقلاب رهبری کنند ، و در نتیجه از طرف بورژوازی اغوا شده و باعث شکست انقلاب گردیدند . در این مرحله سازمانهای حزبی بسط یافتند ، ولی استحکام نیافته بودند ، و قادر نبودند اعضا و کادرهای حزبی را از نظر ایدئولوژیک و سیاسی محکم و استوار نمایند . حزب تعداد بسیار زیادی عضو جدید داشت ، ولی بآنها آموزش مارکسیستی - لنینیستی لازم داده نشده بود . در کار تجارب فراوانی حاصل شده بود ، ولی چنانکه باید جمع‌بندی نشده بودند . عده زیادی فرصت‌طلبان بدرون حزب

خزیده بودند، ولی بیرون ریخته نشده بودند. حزب در محاصره نوطنه‌ها و دسایس دشمنان و متحدین خود قرار داشته بود، ولی هوشیاری از خود نشان نمیداد. در حزب تعداد بسیار زیادی فعالین پا به عرصه وجود گذاشته بودند، ولی بموقع به ستونهای فقرات حزب تبدیل نشده بودند. حزب چند واحد انقلابی مسلح تحت فرمان خود داشت، ولی قادر نبود آنها را در دست خود نگاه دارد. همه این واقعیتها از عدم تجربه، از عدم شناخت عمیق از انقلاب، از ناتوانی در تلفیق تئوری مارکسیسم - لنینیسم با پراتیک انقلاب چین ناشی میگردیدند. این بود نخستین مرحله ساختمان حزب.

مرحله دوم جنگ انقلاب ارضی بود. در سایه تجارب بدست آمده از مرحله اول و بعلت فهم بهتر تاریخ و جامعه چین و ویژگیها و قوانین انقلاب چین، و بعلت اینکه کادرهای ما درك عمیقتری از تئوری مارکسیسم - لنینیسم یافته بودند و آنها بهتر میتوانند با پراتیک انقلاب چین تالیق دهند، حزب ما توانست در طول مدت ده سال بیک مبارزه انقلاب ارضی مرفقیت‌آمیز دست زند. حزب ما علی‌رغم خیانت بورژوازی توانست بطور استوار بدهقانان تکیه کند. سازمانهای حزبی نه تنها رشد نوینی یافتند، بلکه مستحکم نیز شدند. گرچه دشمن هر روز تلاش میکرد تا در حزب ما خرابکاری کند، ولی حزب خرابکاران را بیرون ریخت. بار دیگر کادرهای زیادی در حزب پیدا شدند و ستونهای فقرات حزب را تشکیل دادند. حزب راه برای ایجاد قدرت سیاسی خلق گشود و از این طریق هنر اداره دولت و تأمین رفاه خلق را فرا گرفت. حزب نیروهای مسلح مقتدری بوجود آورد و بدین ترتیب فن جنگی را آموخت. همه اینها پیشرفته‌ها و دست آوردهای



عظیم حزب بشمار میرفتند . معه‌ذا در جریان این مبارزات بزرگ ، بعضی از رفقا به منج‌لاب اپورتونیسیم در غلتیدند ویا برای مدتی به آن در غلتیدند ، این به همان دلیل بود که آنها با فروتنی از تجارب گذشته نیاموخته بودند ، تاریخ و جامعه چین و ویژگیها و قوانین انقلاب چین را نفهمیده بودند ، و وحدت بین تئوری مارکسیسم - لنینیسم و پراتیک انقلاب چین را در نیافته بودند . لذا بعضی از افرادی که در ارگانهای رهبری حزب بودند ، نتوانستند در تمام طول این مرحله یک مشی سیاسی و سازمانی صحیح اتخاذ کنند . حزب و انقلاب در یک دوره در اثر اپورتونیسیم " چپ " رفیق لی لی سان و در دوره دیگر در نتیجه اپورتونیسیم " چپ " در جنگ انقلابی و در کار مناطق سفید متحمل صدماتی گردیدند . تنها پس از جلسه زون ای ( جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی در ژانویه ۱۹۳۵ در زون ای واقع در استان گوی جو ) بود که حزب بطور نهائی براه بلشویکی شدن افتاد و پایه‌های پیروزی آتی خود را بر اپورتونیسیم راست جان گوه تاو و همچنین اساس ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را پی‌ریزی کرد . این بود دومین مرحله رشد و تکامل حزب .

مرحله سوم رشد و تکامل حزب مرحله جبهه متحد ملی ضد ژاپنی است . هم اکنون سه سال است که ما در این مرحله هستیم و مبارزه‌ایکه طی این سالها در جریان است ، شایان اهمیت بسیار بزرگی میباشد . حزب با اتکاء بتجارب دو مرحله انقلاب گذشته ، با اتکاء بقدرت تشکیلاتی و قدرت نیروهای مسلح خود ، با اتکاء به حیثیت سیاسی فوق‌العاده فراوان خود در میان مردم سراسر کشور ، و با اتکاء بدرک ژرفتر وحدت بین تئوری مارکسیسم - لنینیسم و پراتیک انقلاب

چین ، نه فقط جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را سازمان داده ، بلکه جنگ کبیر مقاومت ضد ژاپنی را نیز برپا نموده است . حزب از نظر سازمانی از چارچوب تنگ‌پیشین در آمده و بیک حزب بزرگ سراسری کشور مبدل شده است . نیروهای مسلح حزب در مبارزه علیه تجاوزکاران ژاپنی نیز دوباره رشد یافته و نیرومندتر میشوند . نفوذ حزب در بین مردم سراسر کشور بیشتر میگردد . اینها همه دستاوردهای بزرگی هستند . معذک هنوز به بسیاری از اعضای جدید حزب آموزش داده نشده ، بسیاری از سازمانهای جدید حزب استوار نگردیده و هنوز اختلاف بزرگی بین آنها و اعضاء و سازمانهای قدیم حزب وجود دارد . بسیاری از اعضای جدید و کادرهای جدید حزب هنوز تجارب انقلابی کافی نیاندوخته‌اند . آنها هنوز از تاریخ و جامعه چین و ویژگیها و قوانین انقلاب چین هیچ نمیدانند و یا کم میدانند . آنها هنوز از فهم جامع درباره وحدت بین مارکسیسم - لنینیسم و پراتیک انقلاب چین فرسنگها بدورند . هنگام توسعه سازمانهای حزبی علی‌رغم تاکید کمیته مرکزی بر این شعار ” گسترش بی‌پروای صفوف حزب ولی در عین حال جلوگیری از نفوذ حتی یک عنصر ناباب “ ، در واقع بسیاری از فرصت‌طلبان و خرابکارانیکه مأمور دشمن بودند ، توانستند بدرون حزب رخنه کنند . هر چند که جبهه متحد تشکیل یافته و دیگر سه سال است که دوام مییابد ، معذک بورژوازی و بویژه بورژوازی بزرگ پیوسته کوشش میکنند در حزب ما تخریب کنند ، تسلیم‌طلبان و سرسختهای بورژوازی بزرگ در تمام کشور اصطکاکات جدی برمی‌انگیزند و لاینقطع جار و جنجال ضد کمونیستی براه می‌اندازند . تسلیم‌طلبان و سرسختهای بورژوازی بزرگ قصد دارند بدین وسیله راه را برای تسلیم شدن در برابر امپریالیسم

ژاپن ، بهم زدن جبهه متحد و سوق دادن چین بقهقرا ، هموار سازند . بورژوازی بزرگ از نظر ایدئولوژیک میکوشد کمونیسم را " تحلیل " برد ، از نظر سیاسی و تشکیلاتی تلاش دارد حزب کمونیست ، مناطق مرزی و نیروهای مسلح حزب را از میان بردارد . در چنین وضعی وظیفه ما بیشک عبارت است از اینکه بر خطر تسلیم طلبی ، انشعاب و سیر قهقرائی فایق آئیم ، جبهه متحد ملی و همکاری بین گومیندان و حزب کمونیست را تا حد امکان حفظ کنیم و در راه ادامه مقاومت ضد ژاپنی ، وحدت و ترقی کوشش کنیم ؛ و در عین حال همواره برای مقابله با هرگونه پیش آمد احتمالی آمادگی کامل داشته باشیم تا حزب و انقلاب از این رهگذر گزند غیرمترقبه ای نبینند . ما بدین منظور باید سازمان حزبی و نیروهای مسلح حزب را تقویت کنیم ، و تمام مردم کشور را برای یک مبارزه مصمم علیه تسلیم طلبی ، انشعاب و سیر قهقرائی بسیج نمائیم . انجام این وظیفه وابسته است به مجاهدت تمام حزب ، به مبارزه تزلزل ناپذیر و پیگیرانه همه اعضای حزب و کادرهای آن و سازمانهای حزبی درجات مختلف در نقاط مختلف کشور . ما اطمینان داریم که حزب کمونیست چین با تجارب هجده ساله خود بوسیله تشریک مساعی اعضاء و کادرهای قدیم و کارگشته اش با اعضاء و کادرهای پرشوق و سرشار از نیروی حیاتی جدیدش ، و بوسیله تشریک مساعی کمیته مرکزی بلشویکی شده و آبدیده اش با سازمانهای محلی و همچنین بوسیله تشریک مساعی نیروهای مسلح نیرومندش با توده های پیشرو قادر خواهد بود باین هدفها برسد .

این بود تجارب و مسایل عمده حزب ما در عرض این هجده سال . تجارب هجده ساله بما نشان میدهد که جبهه متحد و مبارزه مسلحانه

دو سلاح اساسی برای غلبه بر دشمن میباشند . جبهه متحد جبهه متحدی است برای انجام مبارزه مسلحانه . و حزب مبارز قهرمانی است که این دو سلاح یعنی جبهه متحد و مبارزه مسلحانه را برای یورش ظفرنمون به مواضع دشمن بدست میگیرد . چنین است رابطه متقابل بین این سه سلاح .

امروز ما باید چگونه حزبمانرا بسازیم ؟ از چه راهی میتوانیم " حزب کمونیست بلشویکی شده چین را بسازیم ، حزبی که سرامر کشور را در برگیرد و خصیصتی توده‌ای داشته باشد ، حزبی که از نظر ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی کاملاً مستحکم باشد " ؟ پاسخ باین سؤال فقط میتوان در مطالعه تاریخ حزب ، در بررسی مسئله ساختمان حزب در ارتباط با مسایل جبهه متحد و مبارزه مسلحانه ، در ارتباط با مسئله وحدت و مبارزه با بورژوازی و در ارتباط با مسایل پافشاری در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی بوسیله ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید و ایجاد مناطق پایگاه ضد ژاپنی پیدا نمود . وظیفه ماست که بر اساس درك وحدت بین تئوری مارکسیسم - لنینیسم و پراتیک انقلاب چین ، تجارب هجده سال گذشته و تجارب نوین جاری را جمع‌بندی نموده و تمام حزب را با آن آشنا سازیم ، تا اینکه حزب چون پولاد محکم شود و از تکرار اشتباهات گذشته برکنار بماند .

### یادداشتها

- ۱ - استالین : « درباره دورنمای انقلاب چین » .
- ۲ - گفته رفیق مائو سه دون درباره اینکه در انقلاب چین از مبارزه مسلحانه بطور کلی جنگ پارتیزانی فهمیده میشود ، بر اساس تجارب جنگ انقلابی چین از دومین جنگ انقلابی داخلی تا اوایل جنگ مقاومت ضد ژاپنی استوار است . در دوران

طولانی دومین جنگ انقلابی داخلی ، تمام مبارزات مسلحانه تحت رهبری حزب کمونیست چین ، شکل جنگهای پارتیزانی داشتند . در اواخر این دوران هنگامیکه نیروی ارتش سرخ رشد یافته بود ، جنگ پارتیزانی به جنگ متحرک که دارای جنبه پارتیزانی بود ، مبدل گردید ( بنا بر تعریف رفیق مائو تسه دون این جنگ متحرک شکل عالیتر جنگ پارتیزانی است ) . ولی در اثنای جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، بعلمت اینکه دشمن عوض شد ، جنگ متحرک که دارای جنبه پارتیزانی بود دوباره به جنگ پارتیزانی مبدل شد . در اوایل جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، آن رفقای حزبی که مرتکب اشتباهات اپورتونیزم راست شده بودند ، به جنگ پارتیزانی برهبری حزب کمپها میدادند و به عملیات نیروهای مسلح گومیندان امید میبستند . رفیق مائو تسه دون در آثار خود « مسایل استراتژی در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی » ، « درباره جنگ طولانی » و « مسایل جنگ و استراتژی » این نظرات را رد کرد و در اثر حاضر تجارب مبارزه مسلحانه انقلاب چین را که مدت مدیدی به شکل جنگ پارتیزانی انجام میگرفت ، از لحاظ تشویک جمعبندی نمود . در اواخر جنگ مقاومت ضد ژاپنی و بخصوص در دوره سومین جنگ انقلابی داخلی ، بعلمت رشد بیشتر نیروهای انقلابی و همچنین بعلمت اینکه وضع دشمن دستخوش تغییراتی شده بود ، جنگ پارتیزانی به جنگ منظم بمثابه شکل اصلی مبارزه مسلحانه برهبری حزب کمونیست چین بدل گردید . در اواخر سومین جنگ انقلابی داخلی شکل جنگی به عملیات جنگی بوسیله فرمسیونهای نظامی عظیم تکامل یافت که با سلاحهای سنگین بیشمارى مجهز بودند و میتوانند استحكامات محکم دشمن را تسخیر نمایند .

## وضع کنونی و وظایف حزب

( ۱۰ اکتبر ۱۹۳۹ )

۱ - آغاز جنگ جهانی امپریالیستی نتیجه کوشش کشورهای امپریالیستی است برای آنکه خود را از بحران جدید اقتصادی و سیاسی رهائی بخشند . این جنگ از لحاظ خصلت خود هم از طرف آلمان و هم از طرف انگلیس و فرانسه غیرعادلانه ، غارتگرانه و امپریالیستی است . احزاب کمونیست در سراسر جهان باید با این جنگ و همچنین با عمل جنایتکارانه احزاب سوسیال - دموکرات که با پشتیبانی از این جنگ به پرولتاریا خیانت میورزند ، با قطعیت بمبارزه برخیزند . اتحاد شوروی سوسیالیستی مانند گذشته در سیاست صلح خود پایداری نشان داده و نسبت به هر دو طرف متخاصم اکیداً روش بیطرفی را حفظ میکند ؛ اتحاد شوروی با اعزام نیروهای مسلح خود به لهستان از گسترش نیروهای تجاوزکار آلمان بسوی شرق جلوگیری کرده ، صلح را در اروپای شرقی تقویت کرده و ملت‌های برادر خود را در غرب اوکراین و بلوروسی از ظلم و ستم زمامداران لهستان رهائی بخشیده است . اتحاد شوروی برای جلوگیری از هرگونه حمله احتمالی از جانب نیروهای

---

اثر حاضر قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است که توسط رفیق مائو تسه دون برشته تحریر در آمده است .

ارتجاعی بین‌المللی، قراردادهای گوناگونی با کشورهای مجاور خود منعقد ساخته است و میکوشد صلح جهانی را از نو برقرار کند.

۲ - در این وضع جدید بین‌المللی سیاست امپریالیسم ژاپن عبارتست از متمرکز ساختن حملات خود بر چین باینمنظور که مسئله چین را فیصله بخشد و در نتیجه آماده باشد که عمل ماجراجویانه خود را در آینده در صحنه بین‌المللی گسترش دهد. آن رهنمودی که باستعانت آن میکوشد مسئله چین را فیصله بخشد بقرار زیر است:

الف - در مورد مناطق اشغالی، رهنمود وی آنست که این مناطق را محکم حفظ کند تا انقیاد تمام چین را تدارک ببیند. برای نیل باین هدف او باید به "عملیات امحائی" علیه مناطق پایگاه پارتیزانی ضد ژاپنی پردازند، منابع اقتصادی را مورد بهره‌برداری قرار دهد، حکومت‌های پوشالی را ایجاد کند و روحیه ملی مردم چین را درهم شکند.

ب - در مورد مناطق پشت جبهه چین، رهنمود وی آنست که بطور عمده به تعرضات سیاسی دست زند و آنها را با تعرضات نظامی تکمیل کند. تعرضات سیاسی بمعنی صرف مساعی است نه برای آنکه به حملات نظامی دامنه‌داری پردازد بلکه جبهه متحد ضد ژاپنی را برهم زند، همکاری گومیندان و حزب کمونیست را درهم ریزد و دولت گومیندان را براه تسلیم بیاورد.

در دوران کنونی دشمن بعلت ضرباتی که مقاومت قهرمانانه چین در ظرف بیش از دو سال اخیر بر وی وارد ساخته و بعلت اینکه نیروهای مسلح و منابع مالی وی ناکافی است، احتمالاً به تعرضات استراتژیک پردامنه‌ای نظیر تعرض بر اوهان دست نخواهد زد. به این معنی، جنگ مقاومت بطور اساسی بمرحله تعادل استراتژیک وارد شده‌است. مرحله تعادل استراتژیک همان

مرحله تدارک برای تعرض متقابل است . اما اولاً وقتی ما میگوئیم که تعادل بطور اساسی فرا رسیده است ، ما بهیچوجه امکان عملیات‌های اپراتیو تعرضی بعدی دشمن را نفی نمیکنیم ؛ دشمن هم اکنون به چنان شا حمله میبرد و احتمالاً به نقاط دیگری هم حمله خواهد برد . ثانیاً هر اندازه امکان تعادل در جبهه افزایش مییابد ، دشمن "عملیات امحائی" علیه مناطق پایگاه پارتیزانی ما را تشدید خواهد کرد . ثالثاً اگر چین موفق نشود مناطق اشغالی دشمن را تخریب کند بلکه باو امکان دهد که به هدف خود یعنی حفظ محکم مناطق اشغالی و بهره‌برداری از آنها برسد ، اگر چین موفق نشود تعرضات سیاسی دشمن را دفع کند و در مقاومت ، وحدت و ترقی پافشاری نماید و در نتیجه موفق نشود برای تعرض متقابل نیرو گرد آورد یا اگر دولت گومیندان خود به تسلیم رضا دهد ، در اینصورت دشمن ممکن است در آینده به تعرضات پردامنه‌ای دست زند . بعبارت دیگر تعادل که هم اکنون فرا رسیده ، ممکن است باز هم از طرف دشمن و تسلیم‌طلبان بر هم زده شود .

۳ - در حال حاضر خطر تسلیم‌طلبی و انشعاب و سیر قهقرائی در درون جبهه متحد ضد ژاپنی هنوز بزرگترین خطر است و اعمال کنونی ضد کمونیستی و قهقرائی مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ ، ادامه قدمهای مقدماتی آنها در راه تسلیم‌طلبی است . بمنظور گرد آوردن نیرو برای تعرض متقابل وظیفه ما همچنان اینست که با همه میهن‌پرستان چینی همکاری کنیم و توده‌ها را بخاطر اجرای مؤثر این سه شعار سیاسی بزرگی که حزب ما در «مانیفست v ژوئیه» خود به پیش کشیده است ، بسیج نماییم : "در مقاومت پافشاری کنید و با تسلیم‌طلبی بمبارزه بر خیزید !" ، "در وحدت پافشاری کنید و با انشعاب بمقابله بر خیزید !" ، "در ترقی پایداری کنید



و با سیر قهقرائی بمبارزه برخیزید ! ” . برای نیل به این مقصود لازم است در پشت جبهه دشمن جنگ پارتیزانی را همچنان ادامه داد ، “عملیات امحائی” دشمن را با شکست مواجه ساخت ، مناطق اشغالی دشمن را تخریب کرد و به اصلاحات سیاسی و اقتصادی رادیکال بسود توده‌های وسیع مردم که در برابر ژاپن مقاومت بخرج میدهند ، دست زد . در جبهه لازم است دفاع نظامی را ادامه داد و هر عملیات اپراتیو تعرضی احتمالی دشمن را دفع کرد . در مناطق پشت جبهه چین باید به سرعت و با جدیت تمام به اصلاحات سیاسی پرداخت ، به دیکتاتوری حزب واحد گومیندان پایان بخشید ، يك مجلس ملی که حقیقتاً نماینده اراده مردم و واجد قدرت واقعی باشد دعوت کرد ، قانون اساسی را تدوین نمود و رژیم مشروطه را بنیاد گذاشت . هر گونه تزلزل و تأخیر ، هر رهنمود دیگری که مخالف آن باشد مطلقاً نادرست است . در عین حال ارگانهای رهبری حزب ما در تمام مدارج خود و همه اعضای حزب باید در وضع کنونی هوشیاری خود را ارتقا دهند و تمام کوشش خود را برای تحکیم ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی حزب و نیروهای مسلح و ارگانهای قدرت سیاسی تحت رهبری حزب ، بکار اندازند تا برای مقابله با هر گونه حادثه غیرمترقبه احتمالی که انقلاب چین را به مخاطره افکند ، آماده باشند و از این رهگذر زیانهای پیش‌بینی نشده‌ای به حزب و انقلاب وارد نگردد .

# جلب روشنفکران بمقیاس وسیع

( ۱ دسامبر ۱۹۳۹ )

۱ - در جنگ طولانی و رنجبار آزادیبخش ملی ، در مبارزه بزرگه  
اطراف ایجاد چین نوین ، حزب کمونیست باید بتواند روشنفکران را بسوی خود  
جلب کند زیرا که حزب فقط از این راه قادر خواهد بود نیروی عظیمی را  
در جنگ مقاومت سازمان دهد ، میلیونها دهقان را متشکل سازد ، جنبش  
ملی را فرهنگی را گسترش دهد و جبهه متحد انقلابی را توسعه بخشد .  
وون شرکت روشنفکران پیروزی انقلاب ممکن نیست .

۲ - حزب ما و ارتش ما در ظرف سه سال اخیر برای جلب روشنفکران  
روششهای فراوانی بکار بردهاند و روشنفکران انقلابی بسیاری را به حزب ،  
مشاوران ، ارگانهای دولتی ، جنبش فرهنگی و جنبش توده‌ای جلب کرده‌اند و  
نتیجه جبهه متحد توسعه یافته است ؛ این دستاورد بزرگی است . اما  
بسیاری از کادرهای ارتش هنوز به اهمیت روشنفکران پی نبرده‌اند و نسبت  
به آنها با بیم و هراس مینگرند و حتی تمایل به طرد آنها از خود نشان  
دهند . بسیاری از مؤسسات تربیتی ما هنوز جرأت آنرا ندارند که دانش‌آموزان

اثر حاضر قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است که توسط رفیق  
و تسه دون برشته تحریر در آمده است .

جوان را بی پروا و بمقیاس وسیع بپذیرند . بسیاری از سازمانهای محلی حزب هنوز برای جلب روشنفکران به حزب از خود آمادگی نشان نمیدهند . اینها همه بعلت عدم درك اهمیت روشنفکران در امر انقلاب است ، بعلت عدم درك تفاوت میان روشنفکران کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره با روشنفکران کشورهای سرمایه داری است ، بعلت عدم درك اختلاف میان آن روشنفکرانی است که در خدمت مالکان ارضی و بورژوازی اند با روشنفکرانی که به طبقه کارگر و طبقه دهقان خدمت میکنند و همچنین بعلت عدم درك وخامت وضع است که در آن احزاب سیاسی بورژوائی با ما بر سر روشنفکران نومیدانه مبارزه میکنند و امپریالیست های ژاپن نیز بکلیه طرق ممکن میکوشند روشنفکران چینی را بخرند یا روح آنها را به تباهی بکشانند و بویژه بعلت عدم درك این عامل مساعد است که حزب و ارتش ما هم اکنون هسته محکمی از کادرهای آزموده فراهم آورده و در نتیجه میتوانند رهبری روشنفکران را برعهده گیرند .

۳ - بنا بر این از هم اکنون باید توجه خود را به نکات زیر معطوف

داشت :

الف - تمام سازمانهای حزبی در مناطق جنگ و تمام واحدهای ارتش زیر رهبری حزب باید تعداد کثیری از روشنفکران را به ارتش ، مؤسسات تربیتی و ارگانهای دولتی ما جلب کنند . ما باید با استفاده از طرق و وسائل مختلف همه روشنفکرانی را که مایلند علیه ژاپن مبارزه کنند و نسبتاً صدیق و پرکارند و میتوانند تاب مصائب بیاورند ، بسوی خود جلب کنیم ، به آنها پرورش سیاسی بدهیم تا در جریان جنگ و کار آبدیده شوند و در خدمت ارتش ، دولت و توده ها در آیند ؛ ما باید با توجه به مشخصات فردی آن بخش از روشنفکرانی را که

واجد شرایط عضویت حزب میباشند بحزب پذیریم . در مورد آن روشنفکرانی که شایستگی عضویت حزب را ندارند یا مایل نیستند بحزب به پیوندند ، ما نیز باید با آنها روابط حسنه برقرار نمائیم و آنها را در کارهای مشترك رهنمائی کنیم .

ب - در اجرای سیاست جلب تعداد کثیری از روشنفکران ، ما باید بدون شك توجه جدی معطوف داریم که از ورود آن عناصری که دشمن و احزاب سیاسی بورژوائی بصفوف ما گسیل میدارند ، جلوگیری کنیم و همچنین عناصر غیر صدیق دیگر را به صفوف خود راه ندهیم . برای جلوگیری از ورود این عناصر باید روش جدی در پیش گرفت . و آن عناصری را که هم اکنون در حزب ما ، ارتش و ارگانهای دولتی ما رخنه کرده اند باید بر اساس مدارك مطمئن ، با قاطعیت ولی با توجه به مقتضیات هر يك ، بیرون ریخت . اما ما نباید به این عنوان به روشنفکران نسبتاً صدیق یا سوء ظن بنگریم ؛ باید اکیداً از اتهامات دروغین ضد انقلابیون علیه آدمهای بی گناه برحذر باشیم .

ج - ما باید به تمام روشنفکرانی که تا حدودی مفید و نسبتاً صدیق اند کار مناسبی واگذاریم ، آنها را مجدانه پرورش سیاسی دهیم و راهنمائی کنیم بطوری که در جریان مبارزه طولانی ، آنها بتدریج بر نقاط ضعف خود فائق آیند ، دید خود را انقلابی کنند و با توده ها درآمیزند ، و با اعضا و کادرهای قدیمی حزب ، با کارگران و دهقانان عضو حزب پیوند یابند .

د - باید آن کادرهایی را که با شرکت روشنفکران در کار ما مخالفاند ، بویژه برخی از کادرهای ارتش منظم را بوجه مؤثر متقاعد ساخت تا لزوم جلب روشنفکران را برای شرکت در کار ما درك کنند .

در عین حال باید در کار تشویق کادرهای کارگری و دهقانی به اینکه با جدیت بیاموزند و سطح فرهنگی خود را بالا برند سخت کوشا بود. بدین ترتیب کادرهای کارگری و دهقانی صاحب دانش خواهند شد، در حالیکه روشنفکران با کارگران و دهقانان کاملاً در خواهند آمیخت.

ه - اصول مذکور در فوق بطور کلی در مناطق تحت سلطه

گومیندان و در مناطق اشغالی تجاوزکاران ژاپنی نیز قابل اجرا است، لیکن در پذیرش روشنفکران بحزب باید بدرجه صداقت آنها توجه بیشتری مبذول داشت، بقسمی که سازمان حزبی ما در این مناطق بازهم بیشتر رخنه‌ناپذیر گردد. ما باید با تعداد کثیری از روشنفکران غیر حزبی که از ما هواداری میکنند رابطه مناسبی برقرار نمائیم و آنها را در این مبارزه بزرگ بخاطر مقاومت علیه ژاپن و نیل به دموکراسی و در جنبش فرهنگی و کار جبهه متحد متشکل سازیم.

۴ - تمام رفقای حزبی ما باید درک کنند که سیاست صحیح در قبال روشنفکران یکی از شروط مهم پیروزی در انقلاب است. روش نادرستی که سازمانهای حزبی در بسیاری از نقاط و واحدهای ارتش طی دوران انقلاب ارضی نسبت به روشنفکران در پیش گرفته‌اند، بهیچوجه نباید تکرار شود؛ پرولتاریا نمیتواند بدون کمک روشنفکران موجود در جامعه، روشنفکران خود را ایجاد کند. کمیته مرکزی امیدوار است که کمیته‌های حزبی در تمام درجات و همه رفقای حزبی به این موضوع توجه جدی مبذول خواهند داشت.

# انقلاب چین و حزب کمونیست چین

( دسامبر ۱۹۳۹ )

فصل اول

جامعه چین

۱ - ملت چین

چین یکی از بزرگترین کشورهای جهانست و مساحت آن تقریباً برابر است با مساحت تمام اروپا . در این سرزمین پهناور ، زمینهای حاصلخیزی دامن گسترده است که به ما خوراک و پوشاک میدهد ؛ سلسله کوههای بزرگ و کوچک در تمام جهات کشور امتداد دارد که از جنگلهای بزرگی پوشیده شده و در دل آنها منابع معدنی سرشاری نهفته است ؛ رودخانهها و دریاچههای بسیاری وجود دارد که برای ما کشتی رانی و آبیاری را

---

« انقلاب چین و حزب کمونیست چین » يك كتاب درسی است که رفیق مائو تسه دون در زمستان سال ۱۹۳۹ با شرکت برخی از رفقای دیگر که در یزان بودند ، نوشته است . فصل اول آن « جامعه چین » را رفقای دیگر نوشتند و رفیق مائو تسه دون

تسهیل میکند ؛ کرانه‌های دریائی که مثل نوار درازی کشیده شده ، ارتباط آسانی را با ملت‌های آن طرف دریا برای ما ممکن میسازد . در این سرزمین پهناور نیاکان ما از زمان‌های بسیار قدیم کار و زندگی کرده ، و زاد و ولد نموده‌اند .

کشور چین اکنون محدود است از شمال شرقی ، شمال غربی و قسمتی از مغرب با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، از شمال بجمهوری توده‌ای مغولستان ، از جنوب غربی و قسمتی از مغرب با افغانستان ، هندوستان ، بوتان و نپال ، از جنوب به برمه و ویتنام ، از مشرق به کره و در ضمن نزدیک است به ژاپن و فیلیپین . این موقعیت جغرافیائی چین برای انقلاب خلقی چین شرایط خارجی مساعد و نامساعدی فراهم آورده است . شرایط مساعد عبارت از اینست که چین با اتحاد شوروی هم مرز و از کشورهای عمده امپریالیستی اروپا و آمریکا نسبتاً دور است و بسیاری از کشورهای اطراف آن کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره هستند ، در حالیکه شرایط نامساعد عبارت از اینست که امپریالیسم ژاپن با استفاده از نزدیکی جغرافیائی خود به چین زندگی ملت‌های چین و همچنین انقلاب خلق چین را همواره تهدید میکند . اکنون جمعیت کشور ما ، ۵۰۰ میلیون نفر است که تقریباً یک چهارم جمعیت تمام دنیا را تشکیل میدهند . بیش از ۹۰ درصد این ۵۰۰ میلیون نفر حائما هستند . غیر از حائما ده‌ها اقلیت ملی مختلف نیز در این سرزمین زندگی میکنند که عبارتند از مغولها ، حوی‌ها ، تبتی‌ها ، اویغورها ، میائوها ، ای‌ها ، جوآن‌ها ،

آنها اصلاح کرد . فصل دوم " انقلاب چین " را خود رفیق مائو تسه دون نوشت . فصل سوم که قرار بود به " ساختمان حزب " اختصاص داده شود ، برشته تحریر درنیامد زیرا که رفقای که عهده‌دار نوشتن آن بودند ، نتوانستند آنها را انجام برسانند . با وجود این ، دو فصل مذکور و بویژه فصل دوم نقش تربیتی بسیار بزرگی در حزب